

هفتمین منبر محرم 1443؛ موضوع: احکام شرعی و ادامه بحث اصول اخلاق اجتماعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ و عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

جهت تعجیل در ظهورش و سلامتی وجود نازنینش از هر گزندی صلوات ختم بفرمایید...

سوالی شده که گاهی در جایی از بدن زخم ایجاد شده است مثل انگشت شست پا ، و فضای آن هم بسته است آیا می شود از کنار شست پا مسح کرد؟ و وضوگرفت یا باید تیمم کرد؟ مستحضرید علمای ما و مشهور فقها، می فرمایند : در مسح پا حتی یک انگشت هم کافی است و لازم نیست کل دست راست را بگذارید پشت تمام پای راست و برعکس.... با یک انگشت هم کافی است اگر چه از نظر فقهی خود ما احتیاط می کنیم که این کار نشود و تمام پشت پا مسح شود. و اگر کسی پایش زخم باشد و بسته باشد، او که اشکال ندارد؛ در این حالت با یک انگشت هم کافی است و نظر خود ما هم همین است. یا اگر جیره هست کل پشت پا را مسح کند، کفایت میکند و حالا یک مقدارش روی پارچه قرار می گیرد، بگیرد. مساله دوم و آخر امشب است و آن این که گاهی در یک جای شلوغ برخی ها موقع مسح شست پا را روی زمین نمی گذارند با پشت پا سجده می کند، نمازگزاران انشا الله که خداوند همه ما و شما را از نماز گزاران قرار دهد، توجه داشته باشید باید با انگشت یعنی شست پا و سر انگشت شست پا به زمین برسد. البته وسواس هم نداشته باشیم.... اصولا از نظر اسلام خدای متعال دوست دارد اهمیت به احکام داده شود، اما نباید وسواس هم داشت. یک جوری که آدم خودش را خسته کند به خاطر وسواسی که دارد خیلی روان و ساده باید عبادات را انجام داد... انشاالله امیدواریم که خدای بزرگ توفیق آشناتر شدن به معارف دین را به همه ما عنایت فرماید....

در ادامه بحث اخلاق اجتماعی ما دیشب این بحث را داشتیم که انسان وقتی در مقابل کسی قرار می گیرد که به او ظلم و ستمی کرده، در این حالت شخص ستمدیده چهار رفتار را می تواند داشته باشد؛ نوع سوم که عرض کردم در قرآن آمده است در روایات آمده و آن این که انسان عفو کند و ببخشد و آیه آن را بیان کردیم.... خذ العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلین ؛ خدای متعال می فرماید با این مقامی که توی پیغمبر من داری در برابر جاهلین عفو پیشه کن ..و در جلسه قبل بعد از این آیه شریفه داستان لطیف خواجه نصیرالدین طوسی را برایتان نقل کردم که چگونه جواب جسارت را میدهد...در این جا دو سه نکته هست؛ و آن این که بر فرض تصور اگر کسی، کسی را بخشید آیا در این حالت شخص خاطی اول دیگر مشکل ندارد یا این که باید با خداوند متعال هم حساب تسویه کند؟ یا این که مثلا شخصی علیه شخصی کاری انجام میدهد و نفر مقابل از تلافی و ... می گذرد و می بخشد اما دولت چنین شخصی را آزاد نمی گذارد و مثلا مدعی می شود شما به نوعی نظم و حقوق عمومی را نادیده گرفتی و بازداشتی.....

خدا رحمت کند مرحوم مطهری را ، ایشان می گوید من یک زمانی در یک جلسه بودم، نام یکی از مراجع برده شد و کسی علیه آن مرجع چیزی گفت و من هم دفاع نکردم، و به نوعی کوتاهی کردم، آقای مطهری می گوید گذشت و من این مرجع محترم را یک وقت در شاه عبدالعظیم دیدم (مرحوم حجت) و گفتم که حضرت آیت الله یک جایی من نشسته بودم و کسی علیه شما چیزی گفت و من هم گوش کردم و دفاع نکردم، آیت الله حجت فرمود : غیبت امثال ما ها دو رقم است ؛ یک موقع علیه شخص من حرف میزنی و مثلا می گویی آقای حجت اخلاقش تند است، اما یک دفعه تعریض شما به مرجعیت است و به روحانیت و به مقام است اگر جسارتی که شده به شخص بنده بوده، بنده گذشت کردم ولی اگر جنبه عمومی داشته دیگر دست من نیست که ببخشم، این را خدای متعال باید ببخشد...آقای مطهری هم گفته بود که نه جنبه شخصی داشت و آقای حجت هم گذشت کرده بود....

برخی می گویند من به فلانی گفتم هر چه غیبت من را بکنید من اجازه می دهم اصولاً این کار اشتباه است مومن حق ندارد حتی به دیگران بدهد که باعث شود با غیبت و تهمت نسبت به او آبروی او را از بین ببرند... آیا این را هم میدانید که حتی آبروی انسان در نزد خودش هم امانت است و باید به هر شکل ممکن مصون و محفوظ باشد و مومن به هیچ وجه حق این که آن را به دیگران واگذار کند که هر چه خواستند علیه او بگویند و تهمت بزنند، ندارد.....

قسم چهارم که بنا بود روی آن فکر کنید و من آن را امشب بیان می کنم؛ این که شخص نه تنها تلافی نمی کند و می بخشد، بلکه جواب را با نیکی کردن می دهد!! **وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ۚ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ فَاِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَاَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ**

این یک مرحله بالاتر است این آیه می گوید جوابش را به نیکی بده ولی اگر او ستم کرد تو نیکی کن اگر او ناسزا گفت تو بی احترامی به او نکن که در این صورت با این رفتار دشمن را به طرف خودت می آوری.... چقدر بنی امیه و بنی مروان به اهل بیت ستم کردند یکی از این ها مروان بن حکم است؛ آن چه از او نوشتند کینه با اهل بیت است از زمان رحلت پیامبر دشمنی با اهل بیت داشته تا شهادت حضرت زهرا تا همین طور بعد از حادثه کربلا و بعد هم سلسله مروانیان را تشکیل داد یک زمانی مردم مدینه علیه یزید قیام کردند مروان در مدینه در خطر قرار گرفت رفت سراغ رفیق گرمابه و گلستان خودش - عبدالله بن عمر - ، او هم به او گفت شما که هستی ؟ و... فهمید که دارد فیلم بازی می کند و بنا نیست به او پناه دهد، دوستان بی جهت نیست که اهل بیت، اهل بیت هستند... مروان را با حدود چهارصد نفر از اطرافیان و مروانیان کسی که این ها را پناه داد علی بن الحسین بود همسر مروان دختر عثمان است عایشه دختر عثمان می گوید ما در پناه علی بن الحسین از خانه خودمان راحت تر بودیم، ببینید اهل بیت بخواهند قصاص کنند، چیزی عوض نمی شود... و امام انتقام نگرفتند... ببینید چطور زمان می گذرد و چه موقعیتی بین مسلمانان و بین تمام مردمان جهان پیدا می کنند شاید نام یحیی بن زید نوه امام سجاد را شنیده باشید... البته یک مکانی منسوب به ایشان در افغانستان هست و هم در مشهد یک زمانی خلیفه سرنگون

شود و یحیی که بازداشت شده بود را آزاد کردند، زنجیری که یحیی در آن در غل و زنجیر بود آن زنجیر که جناب یحیی به دست و پایش بسته بودند این زنجیر آمد بیرون (خراسان سنی) قیمتی روی آن گذاشتند که کسی نتوانست بخرد بعد آمدند و زنجیر را تکه تکه کردند و بازاری ها و پولدارهای خراسان هر کدام یک تکه از آن را خریدند... و بعد نگین انگشتر کردند و انگشتر را دست کردند!

بنید این موقعیت بخاطر امام سجاد است که نصیب یحیی شد به خاطر اخلاق اهل بیت است که الان در دنیا چنین موقعیتی دارند... خودشان گفتند که بنی امیه بنا را بر دشمنی گذاشتند اما ما بنا را بر اخلاق حسن و گذشت گذاشتیم... برادران و خواهران هنر یک انسان هنر یک نظام یا یک حکومت، حتی یک رسانه این نیست که یک دوست را دشمن کند، این که انسان یک بی طرف را بکند شاک که شک داشته باشد و شخص شاک را بکند مخالف، و مخالف را بکند مقاتل... هنر پیغمبر هنر امام سجاد این بود که مخالف را می کردند مدافع... سال هشتم هجری مکه فتح می شود سعد بن عباد از مدافعان پیغمبر است پرچم را دست می گیرد و بعد از بیست و یک سالی که پیامبر از دست مشرکین آزار دیده بود، و همین اهل مکه ده ها جنگ، بر مسلمین وارد کردند، اما روز فتح مکه دو دیدگاه و دو نگاه را ببینید: سعد بن عباد هم شخصیت بزرگی است در اسلام؛ نظر او این بود که باید انتقام گرفته شود و لذا وقتی در کوچه ها رد می شود با پرچم اسلام با صدای بلند می گفت: امروز روز انتقام است: اليوم، يوم الملحمة اليوم تستحل الحرة اليوم اذل الله قريشا و... اما پیغمبر با دیدگاه دیگری که داشتند، فرمودند: پرچم را از دست سعد بگیرید و از فرماندهی هم کنار گذاشته شود و فرمودند: اليوم يوم المرحمة اليوم اعز الله قريشا اليوم يعظم الله فيه الكعبة...

قرآن هم در تعریف از اخلاق پیامبر می فرماید: وانك لعلی خلق عظیم... یا در جای دیگر می فرماید:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ... وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ ۗ

و لذا با این که امامت از مسیر خودش منحرف شد، اما یکی از بزرگترین تمدن ها را پیاده کردند؛ یک نمونه ورود به تمدن ایران است و ایرانی که الان داریم می بینیم آن چه اسلام برای ایرانیان به ارمغان آورد و آن چه ایرانیان به اسلام هدیه دادند... ببینید این اخلاق قسم چهارم نه تنها می بخشد که به خوبی جواب میدهد ایکاش همه نظام ها به این نقطه می رسیدند...

شعار قرآن است و شعار ارزشمندی است : اذفع بالتی هی احسن

الحمد لله رب العالمین